

➤ روند غیرشفاف انتشار کتاب‌ها

ازطرف دیگر، در حالی از قراردادهای مبهم و غیر شفاف بررسی، داوری و انتشار کتاب‌ها صحبت می‌شود که عجیب‌ترین این قراردادها، توافق‌نامه‌ای برای انتشار کتابی با عنوان «اربابان تاریکی در مصر باستان» است که به بررسی حضور جن‌ها در تمدن نیل می‌پردازد. کتابی که براساس گزارش‌های منتشرشده در اواخر سال گذشته تقریباً ۱/۴ میلیارد تومان برای آن هزینه شده است. این درحالی‌است که بالاترین قیمت قرارداد چاپ کتاب در تاریخ فرهنگستان ۱۱۰ میلیون تومان و اغلب قرارداده‌ها کمتر از ۵۰ میلیون تومان بوده. اسماعیل پناهی دراین‌باره توضیح داد: «این کتاب بدون سپری کردن سیر داوری و ارزیابی کتاب منتشر شد و با وجود هزینه‌های بسیار فروش هم نرفت و بعدها آن را بین شاگردان کلاس‌های مدیر مجموعه توزیع کردند. این در حالی‌است که از زمان تاسیس فرهنگستان، هر کتاب در کارگروه مربوطه داوری می‌شد و کارشناس‌ها در شورای علمی انتشارات نظر می‌دادند تا در آخر منتشر شود. اما در دوره مدیریت فعلی روندهای داوری و ارزیابی کتاب‌ها متوقف شده است.» مهدی مکی‌نژاد هم که دبیر علمی دانشنامه هنرهای ادبی فرهنگستان و عضو هیئت‌مدیره است، از دیوارکشی بین کارمندان نزدیک به مدیریت و سایر کارمندان، تعلیق در انتشار ۴۰۰ مدخل درباره هنرهای فراموش‌شده ایران، عدم تعامل مدیریت با مدیران و کارکنان، بلاتکلیفی ۵۰ قرارداد همکاری، عدم‌تأثیرگذاری و خروجی برنامه‌های تیم فعلی صحبت کرد. او درباره این‌ موارد به هم‌میهن توضیح داد: «زمانی که مدیرفعلی واردفرهنگستان شدند، دو هزار مدخل درباره هنرهای فراموش‌شده ایران استخراج و نزدیک ۴۰۰ مدخل مکتوب شد و قرار بود تا تحت‌عنوان دانشنامه گنجینه‌های ا یاد رفته هنر ایران منتشر شود. با وجود طی شدن تمام مراحل قانونی و گذشت تقریباً دو سال هنوز به نتیجه نرسیده است.» او در بخش دیگری از صحبت‌های خود به بلاتکلیفی قراردادها اشاره و بیان کرد: «من به‌عنوان دبیر علمی نزدیک به ۵۰ قرارداد همکاری با پژوهشگران از سراسر کشور امضاء کردم و تاکنون وضعیت آن‌ها در بلاتکلیفی است. برخی پژوهش‌ها هنوز به مرحله اجرا نرسیده و پژوهشگرها زنگ می‌زنند و منتظرند تا بدانند برای نوشتن پژوهش اقدام کنند یا خیر. برخی پژوهش‌های دیگر هم انجام شده‌اند، اما حق الزحمه‌ها پرداخت نشده است. درنتیجه سہار در سیستم اداری نامه زدم و درخواست تعیین تکلیف قراردادها را کردم، اما نه‌تنها به نامه‌ها و درخواست طرح موضوع با مدیریت فرهنگستان پاسخ‌ی داده نشد؛ بلکه ارتباط من را در اتوماسیون اداری مسدود کردند.» فردی دیگری هم که خواست نام‌اش محفوظ بماند در گفت‌وگو با هم‌میهن درباره کنار گذاشتن یا نادیده گرفتن شورای پژوهشی در فرهنگستان صحبت کرد. به گفته او، از ابتدای تاسیس فرهنگستان نخبگان و متخصصان حوزه هنر در شورای پژوهشی طرح‌ها را بررسی می‌کردند و درصورتی که آن طرح، صلاحیت لازم را داشت، با حمایت مالی و انتشار آن موافقت می‌کردند. مدتی است که این روند ازبین‌رفته و به طرح‌ها بدون بررسی کارشناسی بودجه اختصاص می‌دهند. از نظر او، همین موضوع، روند مبهم و غیرشفافی را در بودجه‌ها و قراردادهای فرهنگستان ایجاد کرده است. همچنین به گفته این منبع آگاه، یک بی‌اخلاقی در طرح‌های پژوهشی و ترجمه کتاب‌ها رخ داده و آن هم این است که بدون توجه به حقوق مؤلف، خروجی آن‌ها را به اسم افراد نزدیک به مدیریت منتشر می‌کنند.

➤ دور شدن نخبگان

اسماعیل پناهی، عضو سابق کارگروه تخصصی فلسفه هنر فرهنگستان که در ماه‌های اخیر از این سمت استعفا داده است، در باره دوره مدیریت فعلی فرهنگستان مطرح کرد: «هدف از تاسیس فرهنگستان این بوده تا جمعی از نخبگان در آن جمع شوند و مسائل هنری وفرهنگی را بررسی، جریان‌های هنری موفق و شاخص را شناسایی و از آن‌ها در جهت الگوبرداری و تعاملات بین‌المللی استفاده کنند. فرهنگستان به‌مرور از این مسیر به‌ویژه در مدیریت فعلی دور شد. البته اعمال سلیقه‌ها در این سازمان بعد از دوره اول شروع شد و در دوره فعلی شدت بیشتری پیدا کرده است. چالش اصلی مدیران فرهنگستان از آن‌زمان تاکنون این است که نتوانسته‌اند از طریق گفتمان‌سازی تعامل را بین نخبگان هنری ایجاد کنند. درحال حاضر هم هیچ نگاه کلان، راهبردی و نو در فرهنگستان هنر وجود ندارند و صرفاً براساس نگاه ایدئولوژیک، شخصی و سلیقه‌ای عمل می‌شود. همین رویکرد بین کارمندهای ساده فرهنگستان هم دودستگی ایجاد کرده است.» او دلیل استعفاي خود را برخورد‌های غیراخلاقی و حرفه‌ای با اعضا و کارمندان اعلام و بیان کرد: «عدم‌تعامل مدیریت با مدیران بخش‌های مختلف فرهنگستان، یکی دیگر از موارد عجیب در دوره فعلی این سازمان است. انتصاب‌های بی‌ضابطه، قراردادهای غیرشفاف و مشکوک برای پروژه‌های پژوهشی، طرح‌ها و کتاب‌ها از دیگر موارد است. تحت‌تأثیر این فضا و به‌دلیل رکود کارهای پژوهشی، نادیده گرفتن تخصص افراد و نظرات کارشناسی و عمل بر مبنای صلاح‌دید شخصی تصمیم گرفتیم تا از سازمان خارج شوم.» یک کارشناس و پژوهشگر هنری دیگر هم که در یک‌سال اخیر همکاری خود را با فرهنگستان هنر به‌دلیل تفاوت نگاه با مدیریت و ازبین‌رفتن اثرگذاری فرهنگستان قطع کرده است، مطرح کرد که افراد

دیگری را هم می‌شناسد که در سال‌های اخیر به همین‌دلیل با فرهنگستان قطع همکاری کرده‌اند. او همچنین توضیح داد: «تجربه فعالیتیم در یکی از کارگروه‌های فرهنگستان نشان داد که صرفاً افراد نزدیک به مدیریت امکان فعالیت دارند و باقی افراد با محدودیت مواجه می‌شوند. فعالیت‌ها هم صرفاً به برگزاری همایش، نمایشگاه و امضای تفاهمنامه محدود شده بود. در نتیجه این وضعیت و به‌دلیل تفکرات سیاسی حاکم در دوره فعلی، تمرکز بیش از اندازه به تئوری و نظریه‌های هنری و دوری از تأثیرگذاری و عمل‌گرایی تصمیم گرفتیم تا دیگر با فرهنگستان همکاری نکنم.» البته جدای از اینکه برخی از اعضای کارگروه‌ها تصمیم گرفتند تا همکاری خود را با فرهنگستان قطع کنند، به‌نظر می‌رسد که چهره‌های برجسته‌ای همچون غلامحسین امیرخانی، مجید مجیدی، محمد احصایی، مهرداد قیومی و محمدرضا بهشتی از جمع اعضای گروه‌های تخصصی حذف شده‌اند. پیگیری‌ها از مجید مجیدی در این باره بی‌پاسخ ماند و او حاضر به صحبت دراین خصوص نشد. البته غلامحسین امیرخانی، چهره ماندگار خوشنویسی ایران در گفت‌وگو با هم‌میهن ضمن تکذیب حذف‌اش از گروه‌های تخصصی فرهنگستان مطرح کرد که به‌دلیل کسالت و دوری محل زندگی‌اش از فرهنگستان نتوانسته‌است در جلسات شرکت کند. باین‌حال، برخی منابع خبری مدعی هستند که برخورد‌های تبعیض‌آمیز و سلیقه‌ای در تعامل با نخبگان و کارشناس‌های هنر و فرهنگ در دوره مدیریت اخیر تشدید شده است.

➤ توقف پروژه‌های پژوهشی چندساله

از دیگر تغییرات عجیب و غریب در ساختار فرهنگستان هنر طی سال‌های اخیر می‌توان به توقف پروژه‌های پژوهشی چندساله و حذف یا نادیده‌گرفتن کارگروه‌های تخصصی برای همفکری و مشورت با نخبگان به‌ویژه کارگروه فلسفه هنر و سینما اشاره کرد. یکی از منابع مطلع دراین خصوص تحولات فرهنگستان را در طرح‌های پژوهشی طی دوره‌های مختلفی مدیریت این سازمان بررسی کرد. او در گفت‌وگو با هم‌میهن درباره تحولات فرهنگستان هنر در سال‌های اخیر اظهار کرد: «فرهنگستان هنر در سال‌های ابتدایی فعالیت‌اش نماد و اعتبار بین‌المللی بود و اعضای آن به کشورهای مختلف سفر می‌کردند تا در جریان تحولات هنری و فرهنگی دنیا قرار بگیرند، اما در حال حاضر هیچ‌گونه تعاملات بین‌المللی وجود ندارد. در دوران مدیریت اول به‌دلیل خلأ نظری در تاریخ هنر ایران، بررسی و مدون‌سازی مکاتب هنری کشور در دوره‌های مختلف شروع شد. این روند پژوهشی ادامه داشت؛ تااینکه هم‌زمان با آغاز مطالعات بر مکاتب هنری در دوران قاجار جریان‌ات سیاسی سال ۱۳۸۸ شکل گرفت و با تغییر مدیریت فرهنگستان مدون‌سازی تاریخ هنر ایران متوقف شد.» به گفته او، پس از دوره مدیریت اول فرهنگستان دوران فترت و جمود این سازمان فرهنگی هنری مهم فرا رسید. به‌عنوان مثال، در دوره مدیریت محمدعلی معلم دامغانی به‌دلیل تفاوت نگاه او به فرهنگ و هنر در مواجهه با اعضای فرهنگستان تقریباً هیچ اقدام جدی‌ای در حوزه فرهنگ اسلامی انجام نشد. باین‌حال در آن زمان گروه‌های تخصصی فعال بودند، اما فعالیت گروه‌های پژوهشی در تعطیل شد که آسیب بسیار جدی به روندهای پژوهشی در فرهنگستان وارد کرد. او در بخش دیگری از صحبت‌های خود به دوران مدیریت بهمن نامورمطلق در فرهنگستان اشاره کرد و دراین‌باره توضیح داد: «آقای نامور از ابتدای ورود به فرهنگستان تاکید داشتند که مطابق با اساسنامه عمل شود و اعضای فرهنگستان در حوزه سیاست‌پردازی عمل کنند. باتوجه به اینکه کشورمان در زمینه اقتصاد هنر و صنایع خلاق فرهنگی از سایر کشورها عقب است، در آن دوره برای برگزاری یک همایش بین‌المللی تحت‌عنوان دیپلماسی فرهنگی برنامه‌ریزی شد. در فرهنگستان تیمی متشکل از وزارت امور خارجه، سازمان تبلیغات و سازمان ارتباطات اسلامی تشکیل شد و شروع به پژوهش در حوزه کلان روندهای دیپلماسی فرهنگی و هنری کردند. پس از مدت‌ها پژوهش و فعالیت روی آن پروژه با نتایج بررسی قوانین هنری کشور و شناسایی خلأها و راهکارها به مدیریت مراجعه و مطرح شد که این موضوع مسئله ما نیست.» به گفته او، همایش توسعه با دو سال تلاش و همفکری کنار گذاشته و در حد یک پتل دوساعته برگزار شد. درنتیجه از نظر کارشناس‌ها و پژوهشگران توسعه هنر ایران شهید شد. یک منبع آگاه دیگر نیز به هم‌میهن درباره تحولات گروه فرش در فرهنگستان می‌گوید: «تحت‌تأثیر نگاه ضدپژوهش مدیران فرهنگستان در سال‌های اخیر اقداماتی که برای کارگروه فرش هم انجام شده بود، با موانع و چالش‌های بسیاری مواجه شد؛ تا جایی که کارشناس‌های متخصص و خربه این حوزه مجبور به استعفا شدند. همین روند در معاونت پژوهشی و کارگروه سینمای فرهنگستان هم رخ داد. در حال حاضر کارهای تیمی با همفکری نخبگان در این حوزه‌ها متوقف شده است.» او همچنین با بیان اهمیت آینده‌پژوهی در یک سازمان فرهنگی هنری مطرح کرد: «درحالی آینده‌پژوهی در سازمان‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است که این مقوله در فرهنگستان به‌خصوص در دوره فعلی صرفاً به موضوعاتی همچون مهدویت متمرکز شده‌اند. از طرف دیگر، حقوق معنوی مخاطب هم از دیگر اولویت‌های پژوهشی مدیران فعلی است. انتقاد ما این نیست که روی این موضوعات کار نشود؛ بلکه انتقاد ما این است که به همه ابعاد و حوزه‌های هنری پرداخته شود. درحال حاضر فعالیت کارگروه‌های مهم هنری از جمله فلسفه هنر و سینما در پژوهش متوقف شده است.»

➤ عدم تشکیل کارگروه سینما و فلسفه هنر

یکی دیگر از کارشناسان فرهنگستان هنر که به‌دلایلی مایل به ذکر نام‌اش در این گزارش نبود، مطرح کرد که از زمان شروع به کار تیم جدید در فرهنگستان هنر جلسات کارگروه فلسفه هنر و سینما تشکیل نشده است. این درحالی‌است که سال‌هاست فرهنگستان در حوزه‌های مختلف از جمله نمایش، موسیقی، معماری، هنرهای تجسمی، هنرهای سنتی و دستی، سینما و فلسفه هنر کارگروه‌هایی متشکل از متخصصان و نخبگان این حوزه‌ها دارد تا به سیاست‌گذاری و پژوهش در آن‌ها بپردازند. کارشناس‌ها و فعالان حوزه هنری دلیل این اتفاق را در عدم تخصص، تجربه، تعامل و هم‌افزایی رئیس فرهنگستان هنر با نخبگان می‌دانند. مهدی مکی‌نژاد هم به ازبین‌رفتن وجهت و اعتبار فرهنگستان در میان اهالی فرهنگ، هنر و جامعه تحت‌تأثیر عملکرد ضعیف مدیریت این مجموعه در سال‌های اخیر اشاره کرد و گفت: «بخش عمده‌ای از برنامه‌های مدیریت فعلی فرهنگستان، ادامه برنامه‌های قبلی است و تیم مدیریت فعلی، ایده جدیدی ندارند. یکی از برنامه‌های این تیم، برگزاری بیش از ۴۰ برنامه درباره حقوق مخاطب با کم‌ترین تعداد حاضرین و خروجی بوده است.» سیدمحمد بهشتی، عضو شورای عالی میراث فرهنگی و گردشگری نیز در گفت‌وگو با رسانه‌ها، تغییر را لازمه‌ی فرهنگستان هنر دانسته است و گفته است: «فرهنگستان باید از ادوار موفق الگو بگیرد و در چار چوب ماموریت‌ها و اساسنامه عمل کند تا از حالت تعطیل خارج شود. ما عملی، در طول این مدت ندیدیم و به‌نظر می‌رسد فرهنگ و هنر تعطیل است. او درباره ی کارهایی که باید در گذشته انجام می‌شد، گفته: «فرهنگستان باید در حوزه‌ی کاری‌اش فعالیت می‌کرد. فرهنگستان ادوار مختلفی داشته است که موفق‌ترین‌اش دوره اول بوده است.»

➤ خطر امنیت آثار نفیس

از نظر کارمندان فعلی و مستعفی وضعیت نامساعد فرهنگستان هنر در دوره مدیریت فعلی صرفاً به توقف طرح‌های پژوهشی، عدم تعامل با نخبگان و بلا تکلیفی و روند غیرشفاف قراردادهای مالی محدود نمی‌شود؛ بلکه نگرانی‌هایی نسبت به رفتار مدیران با کارکنان و امنیت آثار موجود در گنجینه فرهنگستان هم وجود دارد. به‌گفته برخی از کارکنان فرهنگستان هنر، یکی از مسائل جدی در فرهنگستان برخورد‌های تبعیض‌آمیز و غیراخلاقی با کارکنان است. حتی به‌نظر می‌رسد که شدت این رفتارها با کارکنان زن به نسبت به مردها بیشتر است. یکی از آن‌ها در گفت‌وگو با هم‌میهن مطرح کرد که زنان کارمند همانند مردان بدون اینکه ساعت کاری کمتری داشته باشند یا حجم کاری آنان کمتر باشد و بعضاً با مسئولیتی بیش از مردان در فرهنگستان، از حداقل رفاهیات بر خوردار هستند. یک فرد دیگر هم از دخالت حراست در امور هنری و محتوایی صحبت کرد. به ادعای او، در دوره جاری، حراست بسیار مهم شده و در همه امور دخالت می‌کند. حتی بد اخلاقی و بی‌توجهی به حق و حقوق کارمندان و اعضای فرهنگستان، دلیل اصلی استعفاي این فرد و برخی دیگر بوده است. برخی از منابع هم درباره ابهامات نگهداری امن آثار نفیس در گنجینه فرهنگستان هشدار می‌دهند. هر چند امکان تایید صحبت‌وسقم اظهارات یکی از مصاحبه‌شوندگان با هم‌میهن وجود ندارد، اما او ادعا کرده که قاب و شماره اموال روی دیوار انبار گنجینه فرهنگستان وجود دارد، اما برخی آثار موجود نیستند. حتی به گفته او، یکسری قرارداد با نقاش‌ها بسته‌اند تا بتوانند آثار را کپی برداری و جابه‌جا کنند. او همچنین از تغییر مدیران و تیم قبلی گنجینه و عدم‌امکان ورود به انبار با گوشی و دوربین گفت. از نظر او، این موارد موجب‌شده تا نگرانی‌هایی نسبت امنیت آثار نفیس گنجینه فرهنگستان و گنجینه صبا ایجاد شود.

➤ هنر، قربانی ایدئولوژی

قابل ذکر است که برای شنیدن پاسخ مدیریت مجموعه ما این انتقادات را از روابط عمومی مجموعه پیکیری کردیم و با این پاسخ مواجه شدیم: «اعضای پیوسته فرهنگستان و نهادهای بالادستی عملکرد یک‌سال اخیر فرهنگستان را تایید و تشویق کرده‌اند و گزارش‌های سیاسی و دستاوردهای داخلی و بین‌المللی فرهنگستان به‌عنوان نمونه مرجع مورد استفاده قرار گرفته است.» همچنین روابط عمومی فرهنگستان هنر، پرسش‌ها و حواشی اخیر را فاقد جنبه علمی و تخصصی دانست و اعلام کرد که این موارد مورد تایید مدیران باسابقه فرهنگستان نیست و پرداختن به آن‌ها هم به شأن این نهاد نیست.

ولی درمجموع، با گذشت بیش از دو سال از مدیریت اخیر در فرهنگستان هنر همچنان برخی کارشناس‌ها و فعالان حوزه فرهنگ و هنر نسبت به عملکرد در انتصاب مدیران و مشاوران، تعامل با نخبگان و اعضای قدیمی فرهنگستان، روندهای بررسی، داوری و انتشار کتاب‌ها، تعیین تکلیف قراردادهای طرح‌های پژوهشی و همفکری با کارگروه‌ها و شوراهای تخصصی انتقاد دارند. از نظر کارشناس‌ها و فعالان و متخصصانی که سال‌ها با فرهنگستان همکاری کردند، به‌نظر می‌رسد که پس از مدت‌ها تلاش برخی جناح‌های سیاسی برای تصفیه فرهنگستان از مدیران، کارشناس‌ها و فعالان دوران ابتدایی فعالیت این سازمان حالا موفق شده‌اند تا به این هدف‌شان برسند، اما آنچه دراین‌میان قربانی شد، فرهنگ و هنر کشورمان است.

گرامافون

این ارکستر رهبری شیرینی داشت...



ابراهیم عمران

روزنامه‌نگار

وارد پهنه رودکی که شدم تقریباً آنهایی که برای تماشای ارکستر سمفونیک تهران آمده بودند، در گپ‌وگفتی که با هم داشتند از رهبری بانویی می‌گفتند که برای اولین‌بار رهبر میهمان این اجرا شده است. پانیز فریوسفی که چندباری شاهد تکنوازی ویولن‌اش بودم، انسان خودساخته‌ای نشان می‌دهد. حتی در ناوختن ساز-تخصصی‌اش نیز آنچنان استوار به‌نظر می‌آید که گویی تعارفی با آن ندارد. بر همین سباق برای رهبری ارکسترسمفونیک تهران نیز بالمال واجد شرایطی بود که توان مدیریتی‌اش را نشان دهد. در بدو ورود به تالار وحدت، بانویی چینی با میکروفن و فیلمبرداری در سرسرا گشت می‌زد. برای خودم هم سوال بود که آنجا چه‌می‌کند. طی این سال‌ها کم دیده بودم خبرنگاران خارجی برای تهیه گزارش بدان‌جا آمده باشند. حتی این سال‌ها وابسته‌های فرهنگی سفارت نیز کمتر دیده‌می‌شدند. دست برقضا به‌سمتم آمد. بسیار روان فارسی را صحبت می‌کرد. تاجایی که شک کردم چینی باشد. گفت از خبرگزاری فونیکس چین است. نظرم را درباره کنسرت پیش‌رو پرسید. بی‌درنگ گفتم خوشحالم که رهبری‌اش با بانویی توانمند است. و به‌حتم می‌دانم که از عهده‌اش بر می‌آید. مصاحبه که تمام شد با شگفتی بار دیگر پرسید که چه گفتم و گفت همه‌مهمه و سرودا اجازه نداد که خوب حرف‌هایم را بشنود. با تاکید دوباره گفتم که افتخار می‌کنم به رهبری ایشان در کنسرت امشب و باور دارم که توانمندی و استواری زنان ایرانی را نشان خواهد داد. چند قطعه‌ای که نواخته شد، دال بر همین گفته‌ام بود. هر چند بدفعات در ارکسترها، بانوان و دختران ایران‌زمین با سازهایشان حضور داشتند؛ این بار اما داستان متفاوت بود. نوعی غرور در چهره مخاطبین وجود داشت. بارها در شبکه‌های خارجی رهبری زنان را در ارکسترها دیده بودیم. شاید این آرزو را همیشه با خود در ذهن داشتیم که مابه‌ازای آن را در سالن‌های اجرای خودمان هم ببینیم. پانیز فریوسفی حتی با پوشش خاص خود نیز این نوید را داد که می‌توان در هر سبک و سیاق رفتاری و کرداری، موسیقی را پاسداشت. چه که این هنر لامحال‌ه مرد و زن نمی‌شناسد. مگر نه اینکه بیشتر هنر جوان آموزشگاه‌های موسیقی‌مان را دختران و زنان این دیار تشکیل می‌دهند. حتی در سالن‌های موسیقی نیز حضور زنان جلوه‌ای دیگر دارد. آنها شاید برای اولین‌بار همذات‌پنداری‌شان با جنس خودشان بود. به حتم این شوق و اشتیاق برایشان شیرینی و حلاوت دیگری داشت. کلیشه نگوییم که بانوان این دیار هم می‌توانند چه‌ها کنند. اصولاً افرادی بسان پانیز فریوسفی آمدند که این سدهای فکری را بشکنند. جنسیت را معنای تازه‌ای بخشند. از حدود و ثغور آن بگذرند. به‌حتم رهبری درست ایشان که کارشناسان خبره موسیقی باید نظر دهند، این نوید را می‌دهد که در دفعات بعد نیز شاهد این حضور جاندار و معنابخش باشیم. همانطور که سالن طی اجرا ساکت و آرام بود، بعد از پایان، ارکستر، تشویق جانان‌های شد. رهبر ارکستر نیز اجرا را به زنان و مادران این سرزمین و مادر خود تقدیم کرد. مادری که به گفته پانیز فریوسفی آرزو داشت او را در کنسوتی چنین ببیند. و آن شب مشاهده کرد که دخترش چه نوید تازه‌ای سر داده است. در دیالوگی اندک، فریوسفی از برخی تشکر کرد که سب‌ساز این شب و رهبری‌اش شدند. ولی به‌باورم آنچه دلیل اصلی این فرصت شد، نه لطف و موهبت فلان مسئول، بلکه جو و اقتضای زمان بود و بس. اتمسفری که به‌هرحال حضور همه‌جانبه زن ایرانی را در تمام عرصه‌ها پذیرفت. و چاره را در نه کتمان توانایی زنان بلکه در آن دید که اینقدر قدرتی معنوی و حسی را به ساخت عمومی آورد. و به‌رسمیت شناسد. ارکستر «دیار سیمرغ» به‌راستی دیار و سرزمین تازه‌ای برای بانوان ایرانی معنا کرد. «سی مرغ» نیز همین زنان پرتوان ایرانی هستند که در بزنگاه‌های خاص خود را آزمودند. هرکجا که حضور یافتند منشأ برکت و آفرینش شدند. گیریم که نام‌های‌هایی را هم بدان‌ها تحمیل شد. تاب آوردند و ماندند. و مانایی‌شان یادآور این بیت عطر است که: پیش سیمرغ آن کسی اکسیر ساخت/ کوزبان جمله مرغان شناخت/ و اینک جز درک و شناخت زبان زنان ایران زمین؛ نمی‌توان حرف دیگری گفت. این ارکستر، به‌مثابه ارکستر جامعه‌ای بود که سال‌ها دیده نشدند. و اینک این نظم و یکنواختی در گفتار و رفتارشان نویدبخش اجتماعی پویا، مانا و سرزنده می‌دهد. امید که این رهبری درست و بی‌نقص پانیز فریوسفی؛ راه تازه‌ای برای عرصه‌های دیگر پیش روی زنان ایرانی بیافریند.